

Analysis of the semantic features of "Jannat" and Paradise in the Qur'an, based on traditional-cultural symbology

Farideh Mardaneh¹

Zahra Besharati²

Mostafa Moradi³

1. Master's student in Qur'anic Sciences, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. f.mardaneh@mail.sbu.ac.ir / <https://orcid.org/0009-0003-4353-2381>

2. Assistant Professor, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. z.besharati@sbu.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0001-8722-8611>

3. Assistant Professor, Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (corresponding author). m.moradi@sbu.ac.ir

DOI: [10.22034/iscw.2025.2053590.1141](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2053590.1141)

*Original
Research*

Received:
17-2-2025

Accepted:
21-9-2025

Keywords

Jannat,
Jannāt,
Paradise,
Qur'an,
Ādam,
Ḥawwā,
traditional-
Cultural
symbology

Abstract: The word "Jannat" and "Jannāt" are among the most frequently used words in the text of the Holy Qur'an, which in a number of verses is interpreted as the eternal abode of the faithful and good-doers, in some verses, as lush gardens, and in some verses related to the creation of man, as the original abode of Ādam and Ḥawwā. Given these diverse functions of the word in question within the text of the Qur'an, a more detailed analysis of the verses containing this word is necessary. Although the interpreters of the Qur'an have mentioned the meanings of the word in different places in the text, considering the context of the verses before and after, a systematic study with a semantic approach to the mentioned word has not been conducted so far; in addition, considering the existence of the concept of paradise and the extensive use of its symbols in different religions and cultures, it is necessary to examine the cases of commonality of the semantic features of "Jannāt" in the Qur'an with the traditional-cultural symbols of paradise in order to more accurately explain the uses of the mentioned word in the text of the Qur'an, especially in cases such as the original abode of Ādam and Ḥawwā. Accordingly, the present study, with a semantic approach and a traditional-cultural symbology method, has answered the key question: "What is the relationship between the semantic features of "Jannat" and "Jannāt" in the Quran and the traditional-cultural symbols of Paradise, and how is it explained?" The findings of this study indicate the existence of a commonality between the Qur'anic features of "Jannat" and "Jannāt" and the main symbols of Paradise, such as immortality, the Promised Land, etc., as well as the symbols of the lost Paradise in the story of the beginning of creation, such as the fall and separation from unity into plurality.

تحلیل مؤلفه‌های معنایی «جنت» و بهشت در قرآن با تکیه بر نمادشناسی آیینی - فرهنگی

فریده مردانه^۱ زهرا بشارتی^۲ مصطفی مرادی^۳

۱. دانشجوی ارشد علوم قرآنی پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
f.mardaneh@mail.sbu.ac.ir / <https://orcid.org/0009-0003-4353-2381>
۲. استادیار پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
z_besharati@sbu.ac.ir / <https://orcid.org/0000-0001-8722-8611>
۳. استادیار پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
m_moradi@sbu.ac.ir

DOI: [10.22034/iscw.2025.2053590.1141](https://doi.org/10.22034/iscw.2025.2053590.1141)

چکیده: واژه «جنت» و جمع آن «جنات» از جمله کلمات پرکاربرد در متن قرآن کریم است که در تعدادی از آیات، جایگاه ابدی انسان‌های مومن و نیک‌کردار، در بعضی آیات، باغ‌های سرسبز و در برخی آیات مربوط به خلقت انسان که از آن به سکونت‌گاه اولیه آدم و حوا تعبیر شده است. با عنایت به این کارکردهای متنوع از واژه مورد بحث درون متن قرآن، واکاوی دقیق‌تر آیات مشتمل بر این کلمه ضروری می‌نماید. هر چند مفسران قرآن در مواضع مختلف از متن، به ذکر معانی کلمه با توجه به سیاق آیات قبل و بعد پرداخته‌اند، تاکنون بررسی سیستمی با رویکردی معناشناختی به واژه مذکور صورت نگرفته است؛ مضاف آن که با توجه به وجود مفهوم بهشت و استفاده فراوان از نمادهای آن در آیین‌ها و فرهنگ‌های مختلف، بررسی موارد اشتراک مؤلفه‌های معنایی «جنات» در قرآن با نمادهای آیینی - فرهنگی بهشت جهت تبیین دقیق‌تر کاربردهای کلمه مذکور در متن قرآن به ویژه مواردی مانند سکونت‌گاه اولیه آدم و حوا ضروری می‌نماید.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکرد معناشناختی و با روش نمادشناسی آیینی - فرهنگی به این پرسش کلیدی که: «رابطه میان مؤلفه‌های معنایی «جنت» و «جنات» در قرآن با نمادهای آیینی - فرهنگی بهشت چیست و چگونه تبیین می‌شود؟» پاسخ داده است. یافته‌های این پژوهش از وجود اشتراک میان مؤلفه‌های قرآنی «جنت» و «جنات» و نمادهای اصلی بهشت چون جاودانگی، ارض موعود و نیز نمادهای بهشت گم‌شده در داستان ابتدای آفرینش مانند هیبوط و جدا شدن از وحدت به تکرر حکایت می‌کند

صص
 ۳۰۹-۳۴۷

علمی پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳-۱۱-۲۹

پذیرش:

۱۴۰۴-۶-۳۰

کلیدواژه‌ها:

جنت،

جنات،

بهشت،

قرآن،

آدم،

حوا،

نمادشناسی

آیینی - فرهنگی



۱. مقدمه

در بسیاری از آیات قرآن کریم لفظ «جنت» و «جنات» در مفهوم بهشت موعود به کار رفته است اما در برخی دیگر از آیات مانند آیه ۳۵ سوره بقره و آیات ۱۹، ۲۲ و ۲۷ سوره اعراف، حقیقت دیگری را که حکایت از سکونت‌گاه آدم و حوا دارد بیان می‌کند. مفسران نیز در مورد چیستی و تبیین ماهیت این مکان اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند آن دنیایی است، برخی دیگر بر برزخی بودن یا آسمانی بودن آن تأکید کرده‌اند و برخی نیز آن را زمینی می‌پندارند (دادخواه، خوش‌فر، ۱۳۹۹، ص ۹). از آنجایی که کاربردهای این واژگان در متن قرآن، مفاهیم متفاوتی را دربر می‌گیرد، نیاز است که به بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر همه موارد استعمال آن‌ها بپردازیم. یکی از روش‌های مؤثر در این زمینه، نمادشناسی تطبیقی است که امکان واکاوی تنوع و پیچیدگی معانی را فراهم می‌کند. در این پژوهش ابتدا کاربردهای قرآنی کلمات مذکور با توجه به همنشین‌ها و بافت کلام بررسی شده است. سپس نمادهای آیینی - فرهنگی کلمه از فرهنگنامه‌های تخصصی نماد (آثار شوالیه و کوپر) استخراج شده است. در مرحله پایانی نمادهای آیینی - فرهنگی کلمه مذکور با کاربردهای قرآنی مقایسه و تحلیل شده و معانی نمادین محتمل با توجه به بافت متن به دست آمده است. هدف نهایی در این مطالعه، پاسخ‌گویی به این پرسش کلیدی است که: «رابطه میان مؤلفه‌های معنایی «جنت» و «جنات» در قرآن با نمادهای آیینی - فرهنگی بهشت چیست و چگونه تبیین می‌شود؟». یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از مؤلفه‌های قرآنی «جنت» و «جنات» و نمادهای اصلی بهشت مانند جاودانگی، ارض موعود و همچنین نمادهای بهشت گمشده در داستان خلقت آدم و حوا مانند هبوط و جدا شدن از وحدت به تکرار با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.

۲. پیشینه

پژوهشگران قرآنی به روش‌های مختلف سعی در تبیین مفهوم لفظ جنت در قرآن داشته‌اند. پیش از این پژوهش، مقاله «نشانه‌شناسی نمادهای بهشت در قرآن کریم» نوشته علی اصغر محکی و راضیه سوزنجی کاشانی، بهار ۱۳۹۱ در مجله مدیریت فرهنگی منتشر شده و با بهره‌گیری از مطالعات میان‌رشته‌ای با الگوی رومن یا کوپسن به بررسی نمادهای بهشت در قرآن کریم و بسامد آن در آیات بهشت پرداخته است. پژوهش‌های متکثر دیگری نیز با محوریت مفهوم بهشت انجام شده است مانند مقاله «مفهوم‌شناسی جنت در قرآن کریم» نوشته عباس مصلاهی پور یزدی و فاطمه خیوه چاپ شده در نشریه مطالعات تقریبی مذاهب/اسلامی در زمستان ۱۳۹۶ که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به اوصاف و درجات بهشت با توجه به ایمان و عمل صالح بهشتیان پرداخته است. مقاله «ماهیت و مکان جنت آدم در تفاسیر فریقین» نوشته سحر دادخواه و محسن خوشفر چاپ شده در نشریه مطالعات تفسیری در پاییز ۱۳۹۹ که ضمن جمع‌آوری اقوال و ادله مفسران فریقین ذیل آیات مربوط به سکونتگاه اولیه آدم و حوا به چیستی و مکان جنت پرداخته و نتیجه گرفته که جنت آدم همان جنت برزخی بوده و با ظاهر آیات و روایات نیز سازگاری دارد. در مقاله «بهشت در مفهومی مشترک میان قرآن کریم و عهدین» نوشته آزاده عباسی چاپ شده در نشریه معرفت/ادیان در زمستان ۱۳۹۶ نیز با بررسی تطبیقی در ادیان الهی نتیجه گرفته است که زندگی پس از دنیا و بهشت در همه ادیان مطرح بوده و مشابهت‌هایی با یکدیگر دارند. مقاله «The Zoroastrian Provenance of Some Islamic Eschatological Doctrines» نوشته علی اکبری چاپ شده در نشریه *Studies in Religion/Sciences Religieuses* در سال ۲۰۱۹ به بررسی تأثیر دین زرتشتی بر آخرت‌شناسی اسلامی، به‌ویژه در مفاهیم بهشت پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه باورهای پیش از اسلام در اندیشه اسلامی ادغام شده است و درک بهشت را به عنوان مکانی برای پاداش ابدی شکل می‌دهد. مقاله «بررسی تطبیقی تصویر پردازی‌ها از بهشت به مثابه

باغ و مرغزار در ادیان» نوشته حسین صابری ورزنده و همکاران در سال ۱۴۰۲، چاپ شده در نشریه *الهیات تطبیقی*، از طریق توصیف و تحلیل مضامین مربوط به بهشت، به تصویر پردازی‌هایی از بهشت پرداخته است. مقاله «تصویر پردازی آینده در قرآن؛ جایگاه‌یابی زمانی «جنت» مطرح در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران» نوشته فرهاد احمدی آشتیانی در سال ۱۴۰۰، چاپ شده در نشریه *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، به بررسی تفسیری جنت در آیه ۱۳۳ سوره آل عمران پرداخته و نشان داده که منظور از بهشت در آیه مذکور بهشت پیشا قیامتی است که در دوران ظهور و بعد از نابودی کامل بدی‌ها برپا می‌شود. از آنجایی که هیچ یک از پژوهش‌های مذکور، به نمادشناسی «جنت» در قرآن و مقایسه و تطبیق آن با کتب شوالیه و کوپر نپرداخته‌اند، پژوهش حاضر نوآورانه است و این روش تحلیل و معانی نمادین احتمالی آن را امکان پذیر می‌نماید.

۲-۱. نماد و نمادشناسی^۱:

نماد معنایی فراتر از معنای سطحی خود دارد که منشأ آن ناخودآگاه انسان بوده و دارای هویتی جمعی است که در سایه فرهنگ و اعتقادات شکل می‌گیرد (یونگ و همکاران، ۱۹۶۴م، صص ۲۲-۲۴) بنابراین مفهوم در اصل تصویری است که به عنوان یک معنی درون زبانی در ذهن ما پدید می‌آید (صفوی، ۱۳۸۶، ص ۳۸) و نمی‌توان آن‌ها را به طور مصنوعی ابداع نمود زیرا فراتر از انسان و در سطح جهانی است (کوپر، ۱۹۸۷م، صص ۱۱ و ۱۲). نماد به علت لایه‌های متعدد و چند مدلولی و قابلیت‌های ژرف دلالت‌گری، حامل نشان‌ها و رازهای یک فرهنگ است. از این رو نمی‌توان برای هر نماد یک معنای قطعی و ثابتی بیان کرد زیرا این معانی با گذشت زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند (عرب و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۳۵). در ادبیات دینی نیز واژه شعائر در کوه صفا و مروه (بقره: ۱۵۸)، احکام الهی (مائده: ۲)، شتران قربانی در حج (حج: ۳۶) به صراحت به معنای نماد دلالت دارد (عباسی و همکاران، ۱۴۰۱،

¹ Symbol and symbology

ص ۱۰۲). هرچند زبان سمبلیک یا نمادین در متون دینی اسلام به ویژه قرآن، اختلافی است اما در سطح واژگان، دلالت‌های نمادینی که جزئی از فرهنگ و زبان عرفی مردم بوده و رمزآلود نیست مشاهده می‌شود. مانند دلالت‌های نمادین عدد «سبع» که مفهوم نمادین «کثرت» برای آن درآرای بسیاری از مفسران شهرت یافته است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۲۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۴، ص ۲۷۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۱۷۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۰۵؛ طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۱۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۱۶۷). از این رو می‌توان معانی نمادین کلمات را از فرهنگ نامه‌های نمادشناسی ژان شوالیه و جی. سی کوپر استخراج و با تطبیق کاربردهای قرآنی (و نه تحمیل معنای بیرونی)، با تکیه بر روابط همنشینی، جانیشینی، تقابلی و سیاق آیات، بر به کارگیری یا عدم استعمال نمادهای مذکور در قرآن صحه گذاشت (Besharati, Fakhari, 2023, 169) از این رو برای مطالعه دقیق‌تر معنی واژه‌ها می‌توان مفهوم آنها را به مشخصه‌هایی تجزیه نمود و از این مشخصه‌ها مؤلفه‌های معنایی خاصی را برای مفهوم یک صورت زبانی در نظر گرفت و یک نشان به حساب آورد (صفوی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). این مؤلفه‌ها یا نخستی‌های معنایی روشی اقتصادی در بررسی شرایط برای تعیین روابط مفهومی در سطح واژه و جمله است و آن را به مطالعات صرفی و نحوی پیوند می‌دهد و در صورت جهانی بودن به درک ساختار ذهنی انسان کمک می‌کند (ساسانی، آزادی، ۱۳۹۱، صص ۷۰-۶۹) و می‌تواند پس از استخراج از آیات قرآن کریم با نمادهای آیینی - فرهنگی تطبیق و تحلیل شود.

۳. کاربردهای جنت و جنات:

به منظور درک عمیق‌تر مفهوم «جنت» و «جنات» بررسی معنای لغوی الفاظ مذکور و کاربردهای قرآنی آن ضروری است. از این رو در فصل پیش رو ضمن

بیان دیدگاه لغت شناسان و مفسران، مصادیق و مؤلفه‌های معنایی مربوطه نیز در آیات قرآن کریم استخراج و دسته بندی گردیده است.

۳-۱. لغت‌شناسی

جنت حدیقه است، و حدیقه نیز بوستانی است که دارای درخت و تفرجگاه است (فراهیدی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲) از ریشه «جنن» و به معنای پوشش و پوشاندن است. جنت به معنای بوستان برای این است که درخت‌ها با برگ‌هایش زمین را می‌پوشاند (ابن فارس، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۱). از این رو به هر باغ و بستانی که دارای درختان انبوه است و زمین را می‌پوشاند (راغب، ۱۳۷۴، ص ۴۱۴) و همچنین به نخلستانی که اطراف آن محصور شده و درون آن دیده نمی‌شود «جَنَّت» اطلاق می‌شود (ابوحاتم رازی، ۱۹۵۸م، ج ۲، صص ۱۹۶-۱۹۷).

علت نامگذاری جنت به عنوان سرای سعادت آخرت، پوششی است که به سبب پرپشت شدن درختانش و سایه انداختن آن با پیچیدگی شاخه‌هایش را موجب می‌شود از این رو به آن جنت از ریشه جَنُّ گویند (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۰۰) و از طرفی بهشت همان چیزی است که مسلمانان در آخرت به آن دست می‌یابند که آن پاداش از مردم پنهان است (ابن فارس، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۱).

راغب اصفهانی ضمن اشاره به هر دو وجه بوستان و پوشش علت این که بهشت را «جَنَّت» نامیده‌اند را یا به جهت شباهتی که میان باغ‌های زمین و بهشت وجود دارد (هرچند فاصله زیادی میان آنهاست) و یا به خاطر پوشیده بودن نعمت‌های آن از انسان با توجه به آیه: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا اخْفَىٰ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: ۱۷) (راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۹۸) می‌داند.

واژه "gan" (gan) "در فرهنگ گزینیوس به معنای باغ (garden)، محوطه‌ی محصور (enclosure)" آمده که ریشه آن به ۱-۱-۱ باز می‌گردد و

در کاربردهای ترکیبی به شکل باغ گیاهان (garden of herbs)، باغ میوه‌ها و ادویه‌ها (garden of plants, fruits)، باغ گیاهان دارویی (garden of spices) نیز به کار رفته است (Gesenius, 1939, p. 171). ریشه ج-ن-ن در عربی به معنای «پوشاندن و محصور کردن» است این ریشه در زبان‌های سامی دیگر نیز حضور دارد؛ برای مثال، در زبان حبشی (Ge'ez) واژه ganīn به معنای «جنین» (آنچه در رحم پوشیده است) آمده است، در عربی جنوبی باستان شکل gn به معنای «دیوارکشی و محصور کردن» ثبت شده و در سریانی فعل gnn با معنای «محافظت یا پوشاندن» به کار رفته است. ریشه ج-ن-ی نیز با مفاهیم مرتبط با «میوه، محصول باغ و برداشت» در ارتباط است. در عربی «جَنَى» (janā) به معنای «میوه» یا «حاصل باغ» است. در حبشی واژه gfanfa معنای «خرد کردن یا فرآوری محصول» دارد و در عربی جنوبی باستان شکل tgn به معنای «برداشت محصول» است. همچنین واژه gny در معنای محصول باغ (garden crop) آمده است (Zammit, 2002, p. 127). در فرهنگ کاستاز جَنَّة (Jardin) باغ، جُنَّيْنَة (jardinet) باغچه کوچک، جَنَّان (jardinier) باغبان، جَنَّة در ترکیب فراش جَنَّة (lit nuptial, bridal bed) بستر عروسی، جَنَّان در ترکیب زوج جَنَّان (husband, mari) شوهر، الجَنَّة (Paradise) بهشت، جَنَّة به شکل مونث (shield) سپر معنی شده است (Costaz, 2002, p. 51). در فرهنگ حبشی لسلاو ریشه 777 (gannat) از ریشه آرامی-سریانی وام گرفته شده است و به معنای باغ (garden)، باغ عدن (the garden of eden)، بهشت (Paradise)، باغبان (gardener) آمده است (Leslau, 1991, p. 199). مفاهیم بهشت، بستان، فردوس، محوطه و حصار باغ برای واژه «جنه» همچنین در فرهنگ تطبیقی فرهنگ عربی با دیگر زبان‌های سامی نیز گزارش شده است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۵۳). در فرهنگ آشوری، واژه gannatu (or gannu) احتمالاً واژه‌ای آرامی است و معنای آن احتمالاً باغ سبزیجات

(vegetable garden) است که در منابع اکدی واژه‌ی خاصی برای چنین باغی وجود ندارد. در متن‌های سلطنتی این واژه به عنوان زیرنویس فهرست گیاهان در باغ سلطنتی آمده است. ممکن است کلمه gannatu با واژه‌های ganinnu یا kannu مرتبط باشد. همچنین با نام‌هایی مانند Ga-na-ta یا Ga-na-na-te که در فهرست‌های جغرافیایی آمده‌اند، قابل مقایسه است (Gelb, 1957, p41). جفری (Arthur Jeffery خاورشناس و قرآن پژوه مسیحی استرالیایی) معتقد است ریشه این واژه آرامی یا سریانی است که در این زبانها تخصیص معنایی یافته و به معنای پاداش نیکوکاران به کار رفته است. همچنین واژه جنة به معنای باغ در شعر کهن عربی بسیار به کار رفته است، اما در معنی بهشت فقط در ابیاتی آمده که تحت تأثیر قرآن بوده است (جفری، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱).

بنابراین "جنت" به معنای درختانی بسیار و درهم فرو رفته است که در فارسی و عربی به آن بستان گویند زیرا وقتی سخن از جنات در قرآن کریم است، خداوند می‌فرماید: «نهرها از زیر آن جاری است» یعنی از زیر آن درختان، پس جنت به معنای درختان بسیار است و آن را جنت نامیده‌اند زیرا این کلمه در اصل به معنای پوشاندن است و درختان انبوه، زمین را از نور خورشید می‌پوشاند همچنان که به سپر نیز جُنَّة گویند زیرا سپر نیز پوششی است که بدن سرباز را از آلت جنگی دشمن محفوظ نگه می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، صص ۶۰۱-۶۰۲).

۳-۲- مصادیق جنت در قرآن

لفظ «جَنَّت» و مشتقات آن ۱۴۷ بار و در معانی مختلفی در قرآن بکار رفته است. «جَنَّت» درباره آخرت در آیات مربوطه نکره آمده و بیانگر جَنَّت به خصوصی است و تنها در یک آیه (شوری: ۲۲) با اَل معرفه آمده است ولی «الجَنَّة» با اَل عهدیه درباره بهشت کاربرد زیادی دارد. در مجموع آیات مربوط به جنت شامل مصادیق ذیل است:

- **بهشت موعود:** بسیاری از کاربردهای «جنت» و «جنت» در آیات قرآن کریم مربوط به بهشت موعود در عالم آخرت است و در غالب ترجمه‌های فارسی قرآن از قرن چهارم تاکنون، برای «جنت»، مفهوم «بهشت» را قرار داده‌اند، که لفظی دینی و در متون بازمانده از فارسی میانه و اوستایی، به معنای «بهترین زندگی» برای توصیف جهانی روحانی بکار رفته است. واژه «مینو» نیز اوستایی و هم معنا با جنت و بهشت است (نجفیان، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱). خداوند متعال با تعبیر متفاوتی در آیات «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ» (رعد: ۳۵؛ محمد: ۱۵)، «جَنَّةِ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ» (فرقان: ۱۵)، «جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» (آل عمران: ۱۳۳)، «أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت: ۳۰) بهشت اخروی را به متقین وعده داده است: «لَأَدْخُلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (مائدة: ۶۵) تا با وارد کردن در باغهایی در آخرت لذت برده (طبری، ج ۶، ص ۱۹۷) و در «جَنَّاتِ عَدْنٍ» که بهشتهای ماندنی و از بین نرفتنی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۶) جاودانه بمانند.
- **بهشت برزخی:** این معنا با توجه به آیه: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ» (یس: ۲۶) در وصف فرد با ایمانی که رسولان الهی را در نزد کفار تأیید نمود و به دست کفار به شهادت رسید، آمده است و با توجه به این که فعل قیل و قال با لفظ ماضی ادا شده است لفظ «الْجَنَّةِ» به معنای جنت آخرت و قیامت نبوده بلکه بهشت برزخ است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۱۵) چنان که در روایت امیرمؤمنان حضرت علی (ع) در مورد قبر وارد شده است: «القبر اما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران» قبر یا باغی از باغهای بهشت است یا حفره‌ای از حفره‌های دوزخ (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۵۴). قرطبی نیز منظور از این عبارت

را خبر شایستگی وی و واجب شدن بهشت بر او می‌داند، زیرا ورود به آن بعد از قیامت است (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۵، ص ۱۹).

• **سکونتگاه آدم:** در سوره‌های بقره آیه ۳۵، اعراف آیات ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۹ و طه آیات ۱۱۷ و ۱۲۱ به این سکونت‌گاه اشاره شده است. رشید رضا از ابو منصور الماتریدی نقل می‌کند که این بهشت باغی است از باغ‌ها یا بیشه‌های جنگلی که آدم و همسرش از آن لذت می‌بردند. وی معتقد است اوصافی که با آن بهشت موعود توصیف می‌شود، با بهشت آدم صدق نمی‌کند (رشیدرضا، ۱۹۹۰م، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۳۰). برخی نیز معتقدند ابلیس نمی‌توانسته به جنت الخلد نزدیک شود (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶). از نظر فخر رازی نیز دنیایی و زمینی بودن این جنت مطرح است. در میان سایر متأخران نیز افرادی مثل شعرابی، موسوی سبزواری نیز بر این عقیده هستند (دادخواه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴).

• **بستان و باغ دنیوی:** در این معنا جنات در آیاتی مانند «جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ» (مؤمنون: ۱۹، یس: ۳۴)، «جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرُّمَّانِ» (انعام: ۹۹) همراه با ذکر انواع مختلفی از درختان بکار رفته است و همچنین در ذکر سرگذشت اقوامی مانند: فرعونیان، قوم ثمود و قوم عاد است که خداوند به آنان نعمت‌های فراوان داده اما به سبب طغیانشان خروج آنان را در آیاتی مانند: «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ» (دخان: ۲۵) و «فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ» (شعراء: ۵۷) بیان نموده است.



۴. مؤلفه‌های معنایی «جنت» و «جنات» در قرآن:

در این بخش با توجه به مصادیق بهشت در کاربردهای قرآنی به مؤلفه‌های معنایی هر یک از مصادیق «جنت» و «جنات» بر اساس سیاق و ساختار آیات قرآن کریم و بر محور همنشینی و جانیشینی پرداخته شده است. از جمله همنشین‌ها و جانشین‌های الفاظ مذکور در آیات بررسی شده می‌توان به کلماتی مانند «نعیم»، «خلد»، «مکرمون»، «عدن»، «مقیم» اشاره نمود که به صورت گسترده‌تر در پایان‌نامه‌ای توسط مؤلفان به آن پرداخته شده است (نک: مردانه، ۱۴۰۴، صص ۳۸-۴۵ و ۶۹-۷۴).

۴-۱. مؤلفه‌های معنایی بهشت موعود:

قرآن کریم در یک تقسیم بندی کلی بهشت را جایگاه افراد سعید و دوزخ را جایگاه افراد شقی معرفی می‌نماید که عطای الهی برای بهشتیان پایانی ندارد «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَبِالْجَنَّةِ... عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْدُودٍ» (هود: ۱۰۸) و درآیه «أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ» (اعراف: ۴۹) ضمن توجه دادن دوزخیان به سوی اصحاب بهشت جایگاه آنان را توصیف نموده و تأکید می‌کند که بهشتیان از رحمت، امنیت (لا خوف)، شادی (لا تحزنون) برخوردارند و با ذکر «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا» (فرقان: ۲۴) بهشت را بهترین محل استقرار و استراحتگاه، «أَصْحَابُ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ» (یس: ۵۵) محل سرگرمی، تفریح و شادکامی آنان بیان می‌کند. این بهشت در ازای معامله‌ای که انسان با جان و مال خود می‌کند به افراد داده می‌شود «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ... وَ عَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي النَّوْرَةِ وَ الْإِنجِيلِ وَ الْقُرْآنِ (توبه: ۱۱۱) که نه تنها وعده الهی در قرآن است بلکه در کتب مقدس نیز آمده است.

در سیاق آیات مرتبط با بهشت می‌توان به مؤلفه‌های معنایی سلامتی روان و پاکی قلب و دل «نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ»، حمد و ستایش «قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ»، هدایت «هَدَانًا»، ارتباط با عالم بالا «نُودُوا»، پاداش عمل «الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (اعراف: ۴۳) و نعمت گوارایی که به قول راغب حاصل از ارت بردن است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۴۷)، نعمت و فراوانی «جَنَاتِ النَّعِيمِ» (یونس: ۹، حج: ۵۶ و لقمان: ۸)، نهر و حاصلخیزی حاصل از آن «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ الانهار»، ابدیت و جاودانگی «خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا»، ازواج پاک «أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ»، آسایش و راحتی «ظِلًّا ظَلِيلًا» (نساء: ۵۷)، نشانه صدق گفتار «سَنُدْخِلُهُمْ جَنَاتٍ ... أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء: ۱۲۲)، رزق نیکو «يُدْخِلُهُ جَنَاتٍ .. أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق: ۱۱)، روضات که در عبارت «فِي رَوْضَاتِ الْجَنَاتِ» به معنای روضه و باغ است (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۴۷۳)، ارتباط با عالم بالا، قرب الهی و آسایش و راحتی «ما يَسْأُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ» (شوری: ۲۲)، لباس‌های فاخر (حریر) و زینتی (طلا و مروارید) در آیه «جَنَاتٍ ... يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ» (حج: ۲۳)، وسیع و پهناور «جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»، فضل الهی «فَضْلُ اللَّهِ» (حدید: ۲۱)، رستگاری بزرگ «يُدْخِلُهُ جَنَاتٍ ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ» (تغابن: ۹)، اکرام در عبارت: «جَنَاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف: ۱۰۷) که نُزُل به معنای غذائیست برای میهمان آماده می‌شود (راغب، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۱۹) به منظور اکرام و پذیرایی و فردوس به معنای باغ و بستان است (ابن منظور، بی تا، ج ۶، ص ۱۶۳)، پاداش الهی «جَزَاءً» و محل بازگشت «مَصِيرًا» در آیه «جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي ... كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا» (فرقان: ۱۵)، رضایت و خشنودی خدا «عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَاتٌ ... وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ» (آل عمران: ۱۵)، سیراب شدن از آب گوارا و لذت بخش چشمه‌ها و حاصلخیزی حاصل از آن «فِي جَنَاتٍ وَعُيُونٍ» (حجر: ۴۵). برتر و بالا بودن جایگاه بهشت «فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ» (الحاقه: ۲۲، غاشیه: ۱۰)، پاداش ترس از خدا، داشتن چهار باغ با عنایت به آیات «وَلِمَنْ خَافَ

مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (الرحمن: ۴۶) و «و من دونهما جنتان» (الرحمن: ۶۲) اشاره نمود.

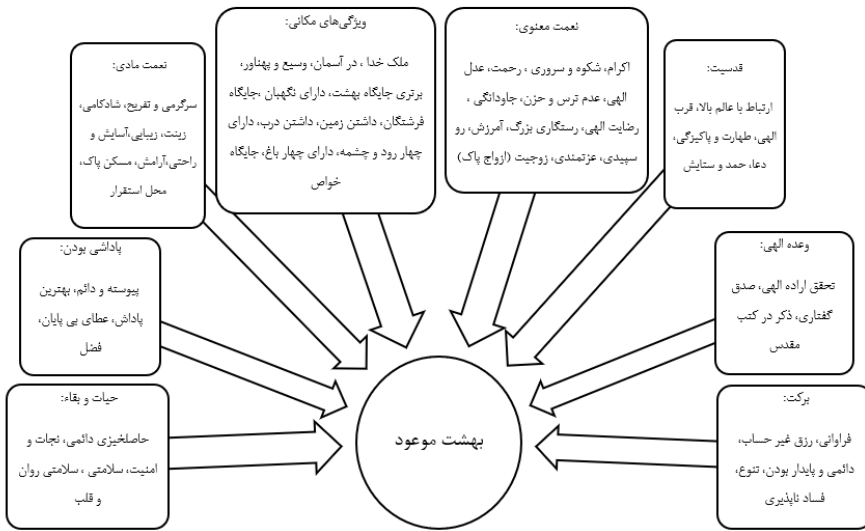
بهشت در آیه «إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (زمر: ۷۳) دارای درب و نگهبان است و واو حالیه در عبارت «وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا» بیانگر احترام و اکرام است، نگهبانان آن «خَزَنَتُهَا» سلام محبت‌آمیزی «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» که معنای معنوی و آرامش (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۳، ص ۲۱۷)، سلامتی و امنیت (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۸، ص ۱۴۰) دارد به بهشتیان می‌کند و آنان طاهر و پاکیزه «طِبْتُمْ» وارد بهشتی جاودانه می‌شوند که دارای زمین «أُورَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ» (زمر: ۷۴)، چهار رود «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي ... فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» با ویژگیهای فساد ناپذیری و گوارا بودن «لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ»، لذت‌بخش «لَذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ»، دارای همه نوع ثمره و میوه‌هایی که موجب حیات و بقاست «الثَّمَرَاتِ» و مغفرت و آمرزش پروردگار «مَغْفِرَةً مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد: ۱۵) است و نزدیک بودن بهشت به آنان «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ» (شعرا: ۹۰؛ ق: ۳۱) موجب آسایش و راحتی است. دیگر مؤلفه‌های بهشت به سکونتگاه پاک «وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ» (توبه: ۷۲، صف: ۱۲)، تحقق اراده الهی «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ» (حج: ۱۴)، محل عدالت الهی و نبود ظلم و ستم «يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلِّمُونَ شَيْئًا» (مریم: ۶۰)، رزق غیر حساب «الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر: ۴۰)، رحمت، رضوان الهی و نعمت‌های پایدار «بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ» (توبه: ۲۱)، تساوی جنسیتی «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ» (توبه: ۷۲)، «مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى ... يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» (نساء: ۱۲۴) دلالت دارد. آیه «الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ» (زخرف: ۷۰ و ۶۹) بیانگر جایگاه مسلمانان در بهشت بوده و مفاهیمی مثل زوجیت و این که زوجین مومن با هم بهشت می‌روند و همچنین شادی «تُحْبَرُونَ» را می‌رساند. همچنین از ظاهر آیه «لَا تُفْتَحُ لَهُمْ

أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» نیز بر می آید که بهشت در آسمان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۴۴).

در دو آیه از قرآن مجید مستقیماً به جایگاه پیامبر در بهشت اشاره شده است از مؤلفه‌های معنایی مربوطه می‌توان به شکوه و سروری «جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ... يَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا» (فرقان: ۱۰) و دائمی و پایدار بودن بهشت «جَنَّةُ الْمَأْوَى» (نجم: ۱۵) اشاره نمود. نظر به این‌که بهشت مطروحه جایگاه پیامبر بوده و سیاق آیات قبل در سوره نجم مرتبط با معراج پیامبر است می‌توان به مؤلفه قدسیت و ارتباط با عالم بالا نیز اشاره نمود.

جایگاه آسیه در بهشت هنگامی که گفت: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ» (تحریم: ۱۱) پروردگارا! برای من نزد خودت خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش رهایی بخش. به عنوان فردی که الگوی ایمان‌ورزی است در این آیه تبیین گردیده و مؤلفه‌های معنایی نجات (از شکنجه و ظلم)، سکونت و استقرار «بَيْتًا»، دعا، قرب الهی، ارتباط با عالم بالا «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ» را به‌همراه دارد.

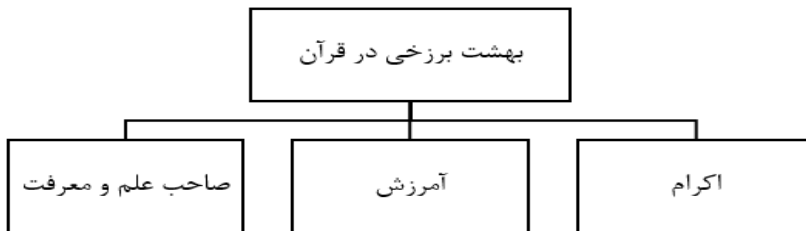
در بسیاری از آیات قرآن کریم بهشت موعود جایگاه ایمان‌آوردگان و عاملین صالح بیان شده است «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (اعراف: ۴۲) که این جایگاه بر اساس عدالت و متناسب با ظرفیت افراد به آنان اعطا می‌گردد. همچنین بهشت جایگاه مومنان، مجاهدان در راه خدا، افرادی که خشیت الهی دارند، آمرزیدگان، سابقون، عباد الرحمن، صالحین، بندگان برگزیده، تزکیه‌کنندگان، اطاعت‌کنندگان از خدا و رسول، محسنین، حزب‌الله، توابین، صادقین، نمازگزاران، مقربین، صابرين، کسانی که تصدیق آیات الهی را دارند و یا مسیر ایمان را انتخاب کرده‌اند، فرشتگان و ماموران الهی (رعد: ۲۳)، طیبین و سعادت‌مندان عنوان شده است.



نمودار ۲: مؤلفه‌های معنایی بهشت موعود در قرآن

۴-۲- مؤلفه‌های معنایی بهشت برزخ:

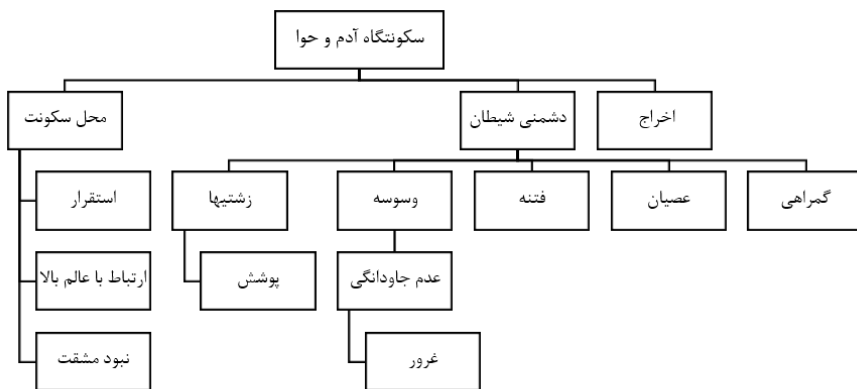
در آیه «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ» (یس: ۲۶ و ۲۷) این بهشت جایگاه افراد صاحب علم و معرفت است زیرا از یک سو به واسطه ایمانی که داشت در نزد کفار پیامبر الهی را تصدیق می‌کرد و از سوی دیگر به نتیجه و پاداش کار خود که غفران الهی و اکرام است، آگاه بود (نمودار شماره ۳).



نمودار ۳: مؤلفه‌های معنایی بهشت برزخی در قرآن

۴-۳- مؤلفه‌های معنایی سکونتگاه آدم و حوا:

در آیات مرتبط با ماجرای حضرت آدم و حوا لفظ «الْجَنَّةَ» شش بار به کار رفته و بیانگر ویژگیهای متفاوتی از سایر آیات است. محل سکونت و استقرار «اسْکُنْ»، تساوی جنسیتی «أَنْتَ وَ زَوْجُكَ»، محل درخت ممنوعه «وَ لَا تَقْرَبَا» «در آیه وَ يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (اعراف: ۱۹)، وسوسه و شیطان «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ»، فرشته نبودن و عدم جاودانگی «إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكَةً أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ» (اعراف: ۲۰)، غرور «بِعُرْوٍ»، خوردن (ذاقا)، آشکار شدن زشتیها «بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا»، پوشش «يُحْصِنَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»، ارتباط با عالم بالا «نَادَاهُمَا رَبُّهُمَا»، دشمنی شیطان «الشَّيْطَانُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (اعراف: ۲۲)، فتنه «يُفْتِنَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ»، جایگاه اخراج «أَخْرَجَ أَبْوَابَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ» (اعراف: ۲۷)، نبود مشقت و رنج، آسایش و راحتی «فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى» (طه: ۱۱۷)، محل عصیان، اغوا و گمراهی «وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» (طه: ۱۲۱) از مؤلفه‌های معنایی سکونت‌گاه آدم و حوا همسرش است (نمودار شماره ۴).



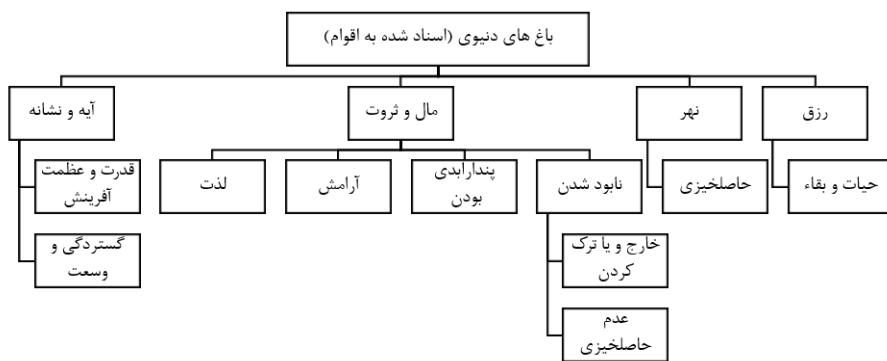
نمودار ۴: مؤلفه‌های معنایی سکونتگاه آدم و حوا در قرآن

۴-۴- مؤلفه‌های معنایی بستان و باغ دنیوی:

لفظ جنت در برخی از آیات به معنای باغ که نوعی ثروت و نعمتی برای آزمایش انسان محسوب می‌گردد آمده است. داستان «اصحاب الجنة» در آیه «إِنَّا

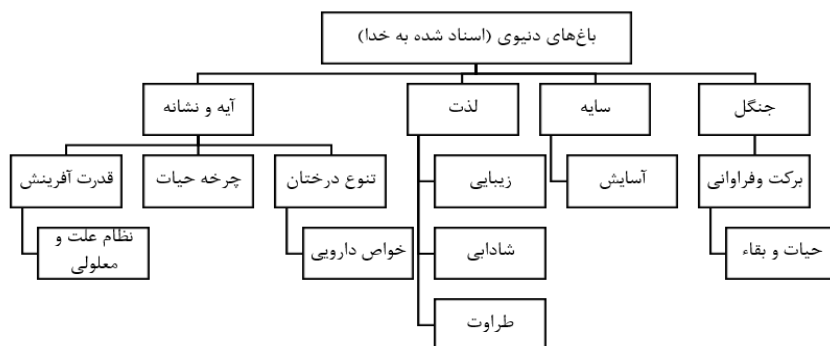
بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (قلم: ۱۷) پیرامون ثروتمندان خودخواه و مغرور دارای باغ خرم و سرسبز است. این باغ متعلق به پیرمردی مؤمن بود که به قدر نیاز از آن برمی داشت و بقیه را به فقرا می داد، اما هنگامی که چشم از دنیا فروبست، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم و تصمیم گرفتند مستمندان را از آن محروم کنند. آیه می گوید: ما آنها را آزمودیم (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۲۴۹). در برخی دیگر از آیات باغ های دنیوی اسناد به قوم فرعونیان، عاد، ثمود، نوح و سبأ شده است. در آیه «فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ أُنْثَلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ» (سبأ: ۱۶) باغهای سرسبز قوم سبأ در اثر کفرشان به باغ بی ارزش تبدیل گردید. خشکی، میوه های تلخ، درختان شوره گز و درخت سدر نماد بی ارزش بودن و عدم حاصلخیزی است. همچنین در مورد فرعونیان خداوند تعابیری مثل خارج کردن «فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ» (شعراء: ۵۷) و ترک کردن «كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ» (دخان: ۲۵) را به آنان نسبت داده است.

چشمه سار در عبارت «جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ» نمادی از حاصلخیزی، آرامش و لذت به لحاظ داشتن آب گوارا و قابل نوشیدن است (شعراء: ۵۷، ۱۳۴ و ۱۴۷؛ دخان: ۲۵). داشتن نهر «أَنْهَاراً» (نوح: ۱۲)، آیه و نشانه قدرت الهی در عظمت آفرینش «آیةٌ جَنَّاتٍ»، گستردگی و وسعت «عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ»، حیات و بقاء (کُلُوا) و رزق «كُلُوا مِنْ رِزْقٍ» (سبأ: ۱۵)، باغ و ثروت «جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ»، توصیف زیبایی و سرسبزی «مِنْ أَعْنَابٍ وَ حَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعاً» (کهف: ۳۲)، فراوانی «لَمْ تَطْلِمُ مِنْهُ شَيْئاً»، پندار ابدی بودن مال و ثروت «وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ .. قَالَ مَا أُظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا» (کهف: ۳۵)، نابودی ثروت «فَتَصْبِحُ صَعِيداً زَلَقاً» از دیگر مؤلفه های قابل استخراج از این دسته از آیات است (نمودار شماره ۵).



نمودار ۵: مؤلفه‌های معنایی باغ‌های دنیوی اسناد شده به اقوام در قرآن

اسناد برخی دیگر از این دسته آیات به خداوند بوده و مؤلفه‌های معنایی تنوع درختان «جنات من أعناب و الزیتون و الرمان»، قدرت آفرینش «انظروا»، آیه و نشانه «لآیات»، چرخه حیات «یتبعه» (انعام: ۹۹)، خواص دارویی «و جنات ... و نُفُصِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ» (عد: ۴)، زیبایی و آسایش «جنات معروشات»، حیات و بقاء «كلوا من ثمره إذا أثمر» (انعام: ۱۴۱)، دانه های دروکردنی نشانه‌ای از فراوانی و برکت «جنات و حبّ الحصيد» (ق: ۹)، جنگل و فراوانی نشانه شادابی و طراوت، سایه، لذت، آسایش و راحتی در آیه «و جنات ألفافاً» (نبا: ۱۶) است و همچنین با توجه به سیاق این آیه نظام علی و معلولی که نور و حرارت خورشید همراه با ابر و باران، عامل تولید دانه و گیاه می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۳۶۲) قابل درک است (نمودار شماره ۶).



نمودار ۶: مؤلفه‌های معنایی باغ‌های دنیوی اسناد شده به خدا در قرآن

۵. نمادهای آیینی - فرهنگی بهشت:

در این فصل نمادهای فرهنگی و بین‌الادیانی از کتب مقدس و فرهنگ‌نامه‌های تخصصی مانند «فرهنگ نمادهای آیینی» نوشته جی. سی کوپر که به نمادهای مختلف اقوام و ملل پرداخته و به سبک فرهنگ‌نامه‌ای نگاشته شده است و شامل مدخل‌هایی درباره فرهنگ قوم‌های مختلف مانند چینی، آزتکی، مایایی و وایکینگ‌هاست و از متون مذهبی مختلف نظیر تورات، انجیل و قرآن نیز مثال می‌آورد و همچنین «فرهنگ نمادها» نوشته ژان شوالیه که به بررسی و توضیح مفهوم نمادین کلمه در فرهنگ‌ها و ملل مختلف می‌پردازد و گاهی نیز باورهای دینی و الهیاتی مرتبط با فرهنگ را مطرح می‌کند (بشارتی، ۱۴۰۳، صص ۸-۹) استخراج گردیده و در نمودارهای شماره ۷ تا ۱۰ نمایش داده شده است.

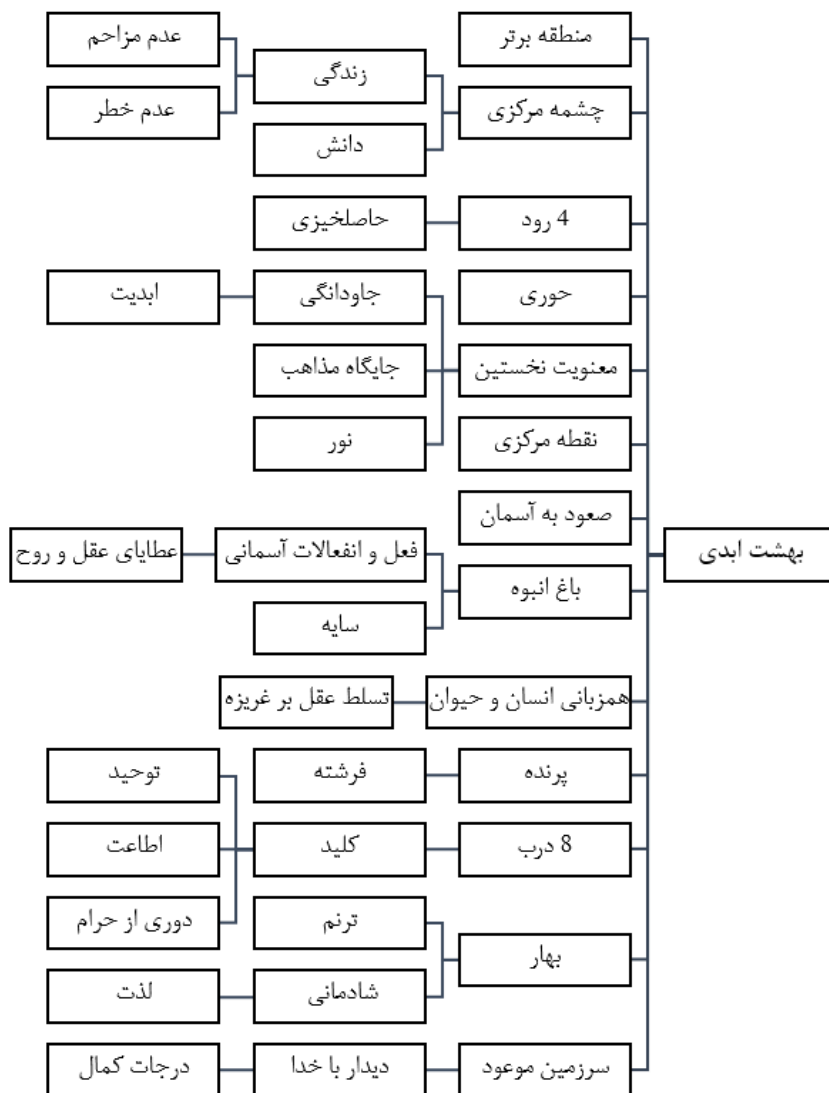
۱-۵. نمادهای فرهنگی بهشت:

شاهکارهای هنری و رویاها، در خواب و بیداری، تحت تأثیر احساس غم غربت بهشت هستند. به قول میرچا الیاده، این غم نشانه‌ای از میل به یافتن جایگاهی بدون دردسر و پایدار در قلب واقعیت و قداست جهان است. این جستجو نشان‌دهنده آرزوی گذر از شرایط بشری و بازیابی شرایط ملکوتی است. در این راستا، مسیحیان به شرایط پیش از هبوط آدم اشاره می‌کنند، در حالی که منجمان امروزی نگاه به آینده دارند و شرایط فوق بشری را توصیف می‌کنند. آدم در بهشت زمینی نعمت و برکتی فوق تصور داشت. دست درازی به درخت دانش خیر و شر، درختی که در وسط باغ کاشته شده بود موجب هبوط او گردید (شوالیه و همکاران، ۱۹۹۰م، ج ۲، ص ۱۳۴). بهشت یا منطقه‌ی برتر با چشمه‌های مرکزی و چهار رود جاری در چهار جهت مرکز معنویت اولیه و خاستگاه تمام مذاهب است و در سراسر جهان آن را محل جاودانگی می‌پندارند این مرکز نقطه‌ی ارتباط میان آسمان و زمین است. از دیدگاه عرفان اسلامی، بهشت به عنوان غاری که آدم در آن قرار داشت، نمادی از کوه مرکزی است. با هبوط انسان از بهشت، ارتباط بین آسمان و زمین قطع شد و جستجوی بهشت گمشده در ذهن بشر باقی ماند. بررسی‌های الهیاتی نشان می‌دهد که این

جستجو به سمت شرق، در دعایی که به سوی شرق اقامه می‌شود است. بهشت‌های مختلف در فرهنگ‌های مختلف، مانند بهشت یونانی‌ها و بهشت جوئن-لوتن در چین، نشان‌دهنده این جستجو است، اما در نهایت بهشت نه یک مکان خاص بلکه یک مرحله است (همان، ص ۱۳۶). بهشت معمولاً به عنوان باغی انبوه که نماد فعل و انفعالات آسمانی است، توصیف می‌شود. در این باغ، چشمه‌ای مرکزی وجود دارد که منبع زندگی و دانش است. حیوانات آزادانه زندگی می‌کنند و زبان آنها برای انسان قابل فهم است؛ این عمل نشان‌دهنده تسلط عقل بر حس و غریزه است و صحت شناخت طبیعت موجودات را نمایان می‌سازد. مشابه این مفاهیم در بهشت‌های مختلف از جمله بهشت بودایی‌ها که پر از پرنده است و پرنده نیز نماد فرشته است و همچنین جزایر جاودانگان دیده می‌شود (همان، ص ۱۳۷). بهشت مرحله‌ای خاص و بازگشت به مرحله‌ی عدنی و در واقع رسیدن به یک نقطه‌ی مرکزی است که از طریق آن می‌توان به ارتفاعات آسمانی صعود کرد. در عین حال، آسمان‌ها دارای سلسله مراتب و طبقات مختلفی است که نمایانگر مراحل مختلفی بوده و انسان

می‌تواند به تدریج به آن‌ها دست یابد. مرکز جهان نمادی از جاودانگی بالقوه است. ابویعقوب سجستانی نیز باغ بهشت را به مثابه مفهومی روشن در درون انسان می‌داند که مملو از دانش متعالی و عطایای عقل و روح است. سنت اسلامی جزئیات بیشتری از بهشت ارائه می‌دهد، مانند هشت در ورودی بهشت که هر طبقه‌ی بهشت صد درجه دارد و طبقه هفتم در بالاترین درجه واقع شده است. بر اساس احادیث، کلید درهای بهشت سه دندان‌دارند: توحید، اطاعت از باریتعالی و تبرّاً از عمل حرام. بهشت ابدی پر از نور و بهار است و یک روز آن معادل هزار روز روی زمین است. چهار رودخانه از کوه مشک می‌جوشد و ساحل آن از مروارید و یاقوت است. کوه‌های بهشت مانند احد، سینا، لییان و حسید ذکر شده و شاخ و برگ درخت عناب آن بر همه مؤمنان سایه می‌گسترده. ترنم فرشتگان و شادمانی موجودات بهشتی نغمه‌ای جهانی را می‌سازد و خداوند، زیباترین نغمه را رقم می‌زند و برگزیدگان را فرا می‌خواند.

مؤمنان هر جمعه به دعوت خداوند برای دیدار با او جمع می‌شوند و مردان به دنبال پیامبر (ص) و زنان پشت دختر ایشان حضرت فاطمه (س) از آسمان‌ها عبور می‌کنند تا نزد لوح محفوظ که کلام خداوند در آن رقم خورده برسند و خداوند بر میهمانان خود، چون قرص کامل ماه ظاهر می‌شود. در مذهب معتزله، تجسم خداوند استعاری تعبیر می‌شود و لذا یذ و غذاهای بهشتی عینی است. اشاعره بر وصف ناپذیری لذا یذ بهشتی تأکید می‌کنند و فلاسفه مانند ابن‌سینا به تمثیلی بودن رستاخیز و بهشت تأکید دارند. صوفیان نگاهی روحانی و متعالی به بهشت دارند و آن را در کشف و شهود محسوس می‌دانند. ابن عربی، بهشت را جای زندگی و طبقات آن را نشانه‌ی درجات کمال می‌داند و حوریان ارواح آسمانی‌اند. کشیشان ایرلندی در قرون وسطی بهشت را با سرزمین موعود و زمین حاصلخیز برابر می‌دانستند، جایی که هیچگونه خطر و مخلوق مضری وجود ندارد (همان، ص ۱۳۹).



نمودار ۷: نمادهای فرهنگی بهشت ابدی

۵-۲- نمادهای آیینی و بین‌الادیانی بهشت:

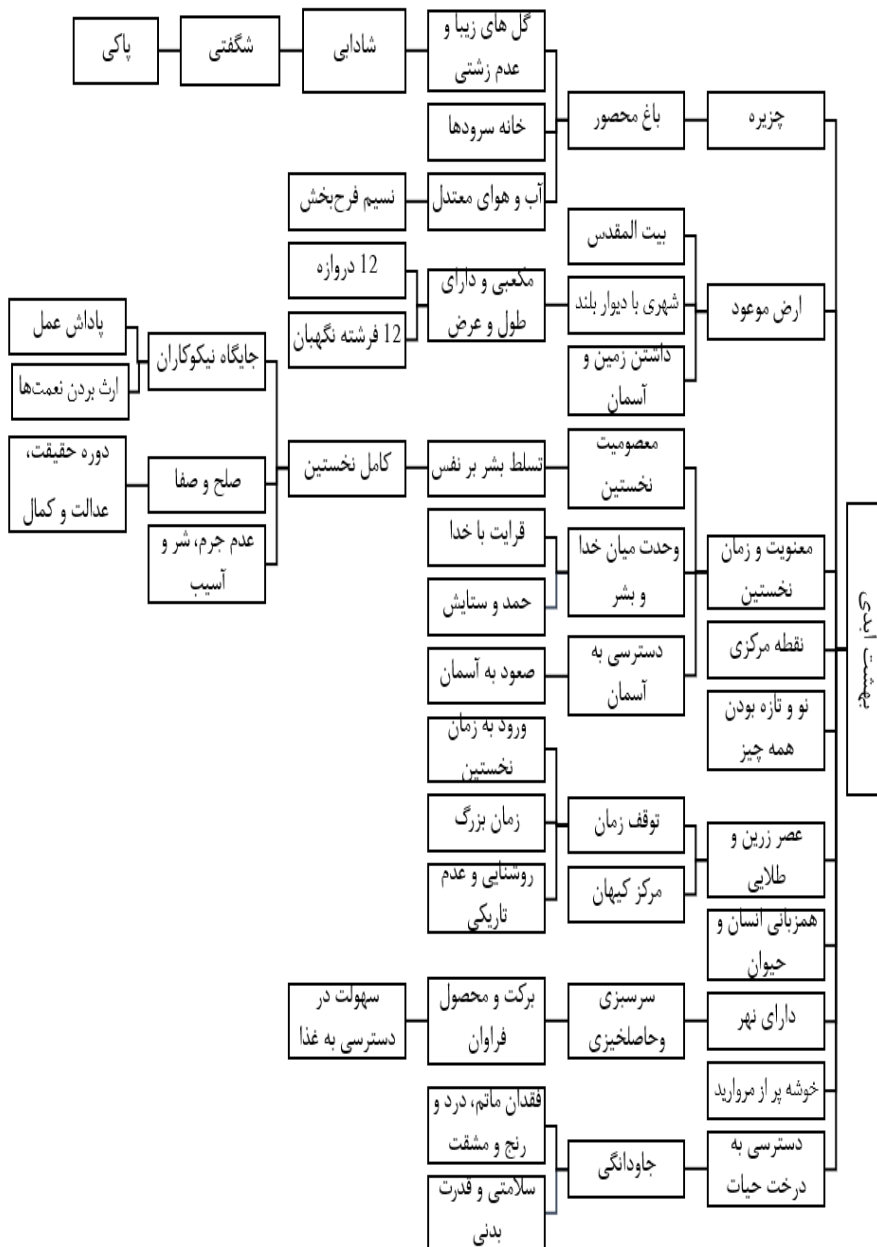
بهشت نماد مرکز، باغ‌های محصور پر از گل‌های خوشبو و مرغان آواز خوان، جزیره برکت یافتگان، جزیره سبز، ارض موعود و خوشه ای از مروارید است. بهشت در همه سنت ها به عنوان باغی محصور و جزیره‌ای باغ مانند تصور

می‌شود، جز در مسیحیت که بهشت به صورت یک شهر جدید (بیت المقدس) به تصویر کشیده می‌شود. در سنت‌های سلتی و مائوری بهشت شهر زیر آب و نماد کامل نخستین، مرکز کیهانی، عصر زرین و معصومیت اولیه، وحدت کامل میان بشر و خدا است. این مکان جایی است که زمان متوقف می‌شود و وارد زمان نخستین می‌گردد. آسمان به زمین که به وسیله دریا احاطه شده است، نزدیک می‌شود. در بهشت، انسان و خدا با یکدیگر در ارتباط هستند. انسان و حیوان نیز در هماهنگی کامل زندگی کرده و به یک زبان صحبت می‌کنند. در آیین زرتشت بهشت نماد خانه سرودها است و باغ بهشت دو درخت حیات و دانش، جاودانگی و مرگ را در وسط خود دارد که چهار رود از آن سرازیر می‌شوند. بهشت گمشده نشانگر جدا شدن از وحدت و ورود به دنیای تکثر و پراکندگی است، بشر را در زمان و تاریکی می‌برد و توسط فرشتگان یا هیولاها با شمشیرهای شعله‌ور محافظت می‌شود. در حالی که بهشت باز یافته نمایانگر بازگشت به وحدت و رسیدن به بی‌گناهی اولیه، مرکز معنوی، تسلط بر نفس و پایان زمان است و با دشواری و طی راه معنوی (معنویت) به دست می‌آید (کوپر، ۱۹۸۷م، ص ۶۶-۶۵). در روایت متون زرتشتی طبقات بهشت چندگانه بوده و در چند طبقه آسمان وجود دارند که هر طبقه از آن پذیرای گروه خاصی از نیکوکاران است که به بهشت یا عرش برین که اهورا مزدا در آنجا اقامت دارد پایان می‌پذیرد. البته این بهشت سرای میانی است در بین مرگ تا رستاخیز و نیکوکاران را می‌پذیرد. بهشت اخروی پس از رستاخیز قرار دارد و سرای زندگی ابدی و حضور خداوند است. آدمیان در هیئت میانسانی محشور شده و پیری و مرگ راهی ندارد. صلح و صفا برقرار است. غذا به سهولت در دسترس آنان قرار می‌گیرد و محدودیتی وجود ندارد. بهشت فرجامین مانند باغ و بستان است که رویش در آن پایان ندارد. شادابی و شگفتی و پاکی در آن موج می‌زند. البته ایرانیان در مواجهه با باغ و بوستان سرسبزی که آب در میان آن باشد و صدای پرندگان تعبیر به بهشت می‌کنند و باغات شاهی را طوبی و خلد برین توصیف می‌نمایند. در سنت یونانی مفهوم دوره‌های کیهانی وجود دارد که دوره طلایی

همان دوره بهشتی است. آدمیان در این دوره مانند خدایان درکی از سختی ندارند شری در حیاتشان نیست پیری برآنان عارض نمی‌شود مرگ به مثابه امری خوب آنها را در بر می‌گیرد. سرزمین حاصلخیز و گیاهان خودرو بوده و نیازی به کاشت ندارند همه چیز در دسترس است صلح برقرار است. سبزه‌زارهای الیزه جایگاه فرجام شناختی داشته و سرای ارواح قهرمانان و نیکوکاران است و دارای آب و هوای معتدل زندگی راحت و نسیم‌های فرحبخش است (صابری‌ورزنه و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۵۳). در سنت بودایی نیز بهشت غربی به معنای سرزمین پاک و سعادت که جایگاه نیکوکاران است آمده، سرزمینی پربرکت و حاصلخیز که مملو از لذایذ، آواز گوش نواز پرندگان، درختان جواهرنشان بوده و شر و رنجی ندارد. بهشتی بینابین مرگ و تناسخ بعدیست و با وضعیت رهایی یا نهایی تفاوت دارد. توصیف جهانی بهشت در زمان ظهور بودای منتظر است که در آن جهان جرمی انفاق نمی‌افتد. فضیلت‌مندی گسترش می‌یابد و آسیبی وجود ندارد. قدرت بدنی و سلامتی آدمیان زیاد است. زمین یکسره سرسبز و بهشت است. مزارع بدون تلاش محصولات فراوانی دارند. در این سنت دوره طلایی همان دوره حقیقت، عدالت، کامیابی و کمال انسان است (همان، ص ۱۵۴).

در عهد عتیق توصیفات مشخصی از فردوس آغازین و پیش از هبوط وجود دارد. خداوند باغی پر از درخت برای آدم ایجاد می‌کند که در آن همه نوع خوردنی در دسترس اوست (پیدایش ۲: ۸-۹) و همچنین آب (پیدایش ۲: ۱۰) و درخت حیات (پیدایش ۲: ۱۰) که ناظر به امکان جاودانگی است و درخت معرفت خوب و بد (پیدایش ۲: ۱۷) نیز در آن قرار دارد و زوج برای آدم خلق می‌کند تا تنها نباشد (پیدایش ۲: ۱۸). ارتباط با خدا در باغ عدن مستقیم و شهودی است و از این نظر، شکافی بین انسان و امر قدسی وجود ندارد (صابری‌ورزنه و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۵۵). اما آدم و حوا به وسوسه مار از میوه ممنوعه خوردند و به سبب آن زمین ملعون گردید و خار و خس برایشان رویانده شد و محکوم به زندگی مشقت بار شدند (پیدایش ۳: ۱۹-۱). از ویژگیهای دیگر باغ عدن اولیه

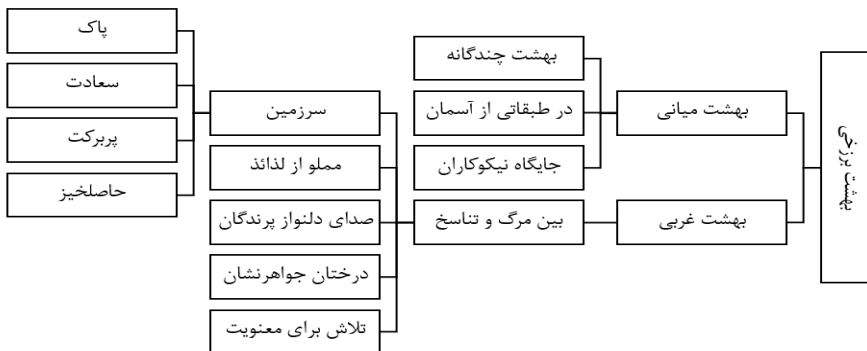
این بوده که قبل از خوردن میوه ممنوعه حیای جنسی مطرح نبوده و آدم و حوا بدون نگرانی عریان زندگی می‌کردند (پیدایش ۲: ۲۵). در عهد جدید به مضمون فردوس فرجام اشاره شده است «امروز با من در فردوس خواهی بود» (انجیل لوقا ۲۳: ۴۳) فردوسی که در آسمان سوم جای دارد (نامه دوم به قرن‌تینان ۲: ۱۲) و دارای خصوصیتی است مانند: داشتن زمین و آسمان، اورشلیم، زیبا، حضور خدا و قرابت بین او و انسانهای نیکوکار، فقدان ماتم و رنج، نبود مرگ، نو و تازه شدن همه چیز، به ارث بردن نعمت‌ها، شهری با دیوارهای پهن و بلند، دارای دوازده دروازه و دوازده فرشته دربان، مکعب شکل (طول و عرض برابر)، نهر جاری، نبود بدی و زشتی، حمد و ستایش خدا، دسترسی به میوه درخت زندگی (پیوند بین باغ عدن آغازین و بهشت فرجامین) روشنایی و عدم تاریکی و پاداش عمل (مکاشفات ۲۱: ۲۷-۱ و ۲۲: ۵-۱).



نمودار ۸: نمادهای آیینی و بین‌الدینی بهشت ابدی

۶- بررسی تطبیقی:

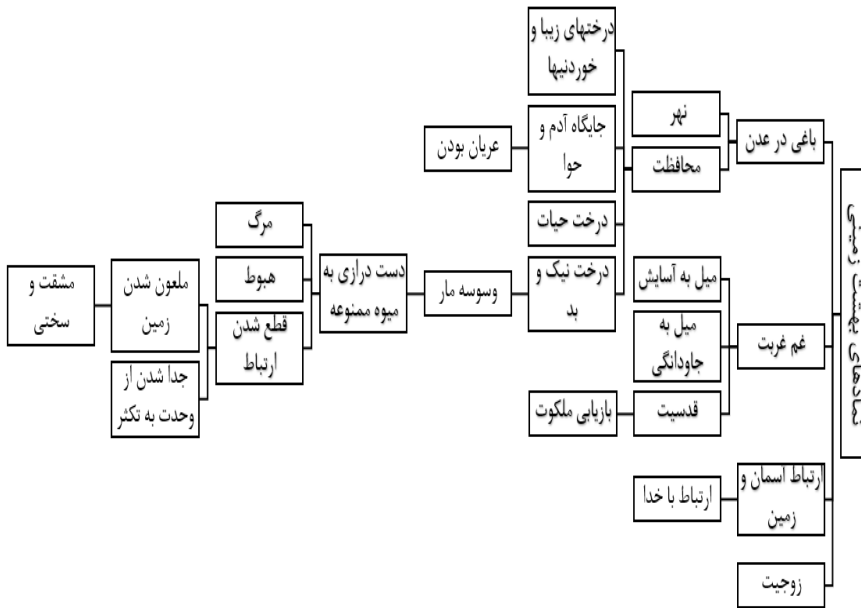
با توجه به مؤلفه‌های معنایی به دست آمده از آیات قرآن کریم و توصیفات نمادهای بین‌الادیانی و فرهنگی از بهشت می‌توان مضامین مشترک فراوانی را بر اساس نمودارهای شماره (۱ تا ۱۰) استخراج نمود که حکایت از منشأ مشترک ادیان با یکدیگر دارد که در بخش پیش رو به تفکیک مصادیق بهشت دسته‌بندی گردیده است.



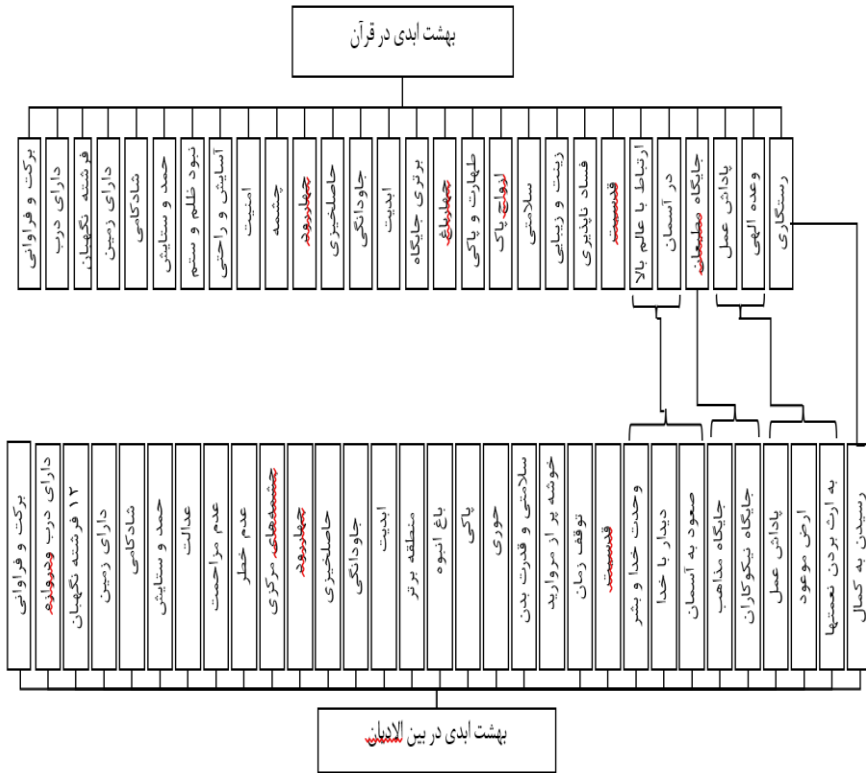
نمودار ۹: نمادهای آیینی و بین‌الادیانی بهشت برزخی

۶-۱- **بهشت موعود:** مؤلفه‌های معنایی بهشت موعود در قرآن کریم در ویژگی‌های مکانی (مانند داشتن زمین، در آسمان بودن، برتر بودن جایگاه بهشت، داشتن درب و نگهبان، داشتن چشمه و چهار رود، باغ)، فراوانی و برکت، حاصلخیزی، امنیت، آسایش و راحتی، سلامتی، زیبایی و شادکامی، نبود ظلم و ستم (تعبیر به عدالت در عهدین)، جاودانگی و ابدیت، ازواج پاک، طهارت و پاکی، قدسیت، قرب الهی و جایگاه نیکوکاران با نمادهای آیینی - فرهنگی همسو و مشترک است. همچنین بهشت خلد و به ارث بردن آن که به عنوان پاداش عمل در قرآن کریم وعده داده شده است با ارض موعود و به ارث بردن

نعمت ها در عهدین و رستگاری بزرگ با رسیدن به کمال در عهدین هم‌پوشانی دارد که در نمودار شماره ۱۱ نمایش داده شده است.



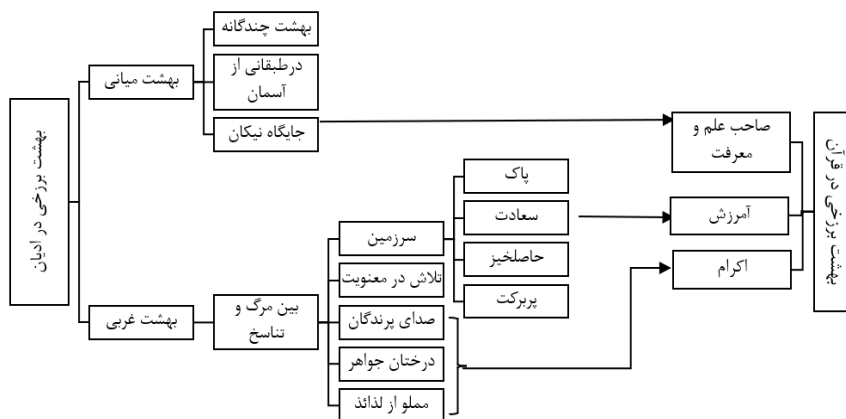
نمودار ۱۰: نمادهای آیینی و بین‌الادینی بهشت زمینی



نمودار ۱: مشترکات بهشت ابدی در قرآن و نمادهای بین الادیان

۶-۲- بهشت برزخی:

همانطور که در نمودار شماره ۱۲ ملاحظه می‌گردد مؤلفه‌های معنایی بهشت برزخی در قرآن و نمادهای ادیانی در بهشت میانی که محلی بین این دنیا و آخرت بوده و جایگاه صاحبان علم و معرفت به عنوان یک فرد نیکوکار است و همچنین آموزش که سعادت ابدی را به دنبال دارد و موجب بهره‌گیری از لذات بهشتی که نوعی اکرام برای فرد بهشتی محسوب می‌گردد همسو هستند.

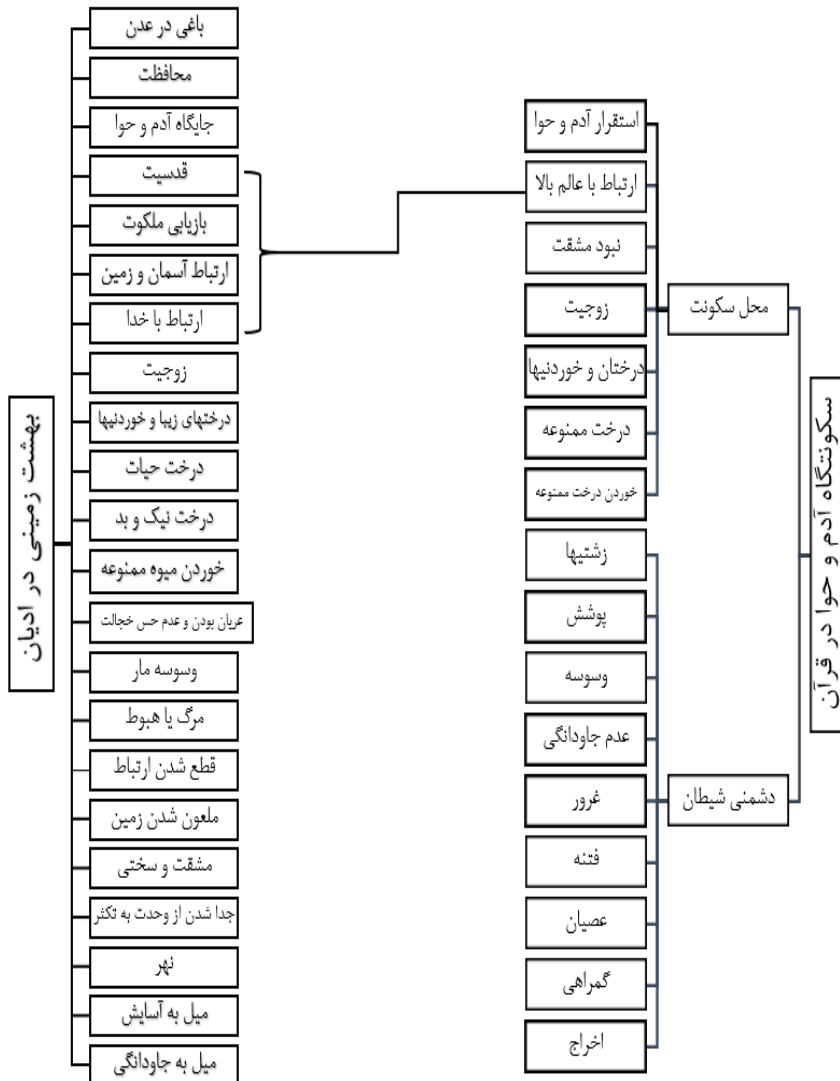


نمودار ۱۲: مقایسه بهشت برزخی در قرآن و نمادهای آیینی و بین‌الادیانی

۶-۳- سکونتگاه آدم و حوا:

در نمودار شماره ۱۳ سکونت‌گاه آدم و حوا در قرآن و نمادهای آیینی و بین‌الادیانی مقایسه گردیده است. بر این اساس ماجرای حضرت آدم و حوا در آیات قرآن کریم با مؤلفه‌های معنایی عدم جاودانگی و میل به آن، نبود سختی و مشقت (آسایش و راحتی)، ارتباط با عالم بالا، زوجیت، درختان و خوردنیهای فراوان، وسوسه (در قرآن وسوسه شیطان و در عهد عتیق وسوسه مار) با نمادهای آیینی- فرهنگی همپوشانی دارد. همچنین علیرغم عدم خجلت از عریان بودن آدم و همسرش (در عهد عتیق) با آشکار شدن زشتیها (در قرآن)، آدم و حوا نیاز به پوشش پیدا نمودند. گرچه زبان قرآن در آیه « قَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَیْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِیْنَ » (اعراف: ۲۰) در ذکر میل به جاودانگی و فرشته بودن متفاوت است اما بهره گرفتن شیطان از این میل برای وسوسه انسان مؤید آن است که بهشتی که آدم و حوا در آن زندگی می‌کردند بهشت موعود نبوده و مغایر با جاودانگی و ابدیتی است که خداوند در بهشت اخروی به آن وعده داده است ولی با غم غربتی که به دنبال بازیابی ملکوت و بازگشت به وحدت در ادیان دیگر مطرح است با مسجود فرشتگان بودن «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ» (بقره: ۳۴) در قرآن همسو

است. از دیگر مشترکات مهم می‌توان به مؤلفه‌های درخت ممنوعه و دست‌درازی به آن، هبوط و خروج انسان از بهشت زمینی اشاره کرد. اشتیاق انسان به دنبال یافتن محیط سرسبز نشان‌دهنده این است که بازبایی این فضا ممکن بوده و لزوماً هبوط از زندگی بهشتی نخستین به معنای نابودی آن باغ سرشار از نعمت نیست و در متون مقدس نیز صحبتی از فساد یا نابودی باغ عدن پس از هبوط آدم و حوا به میان نیامده است. این احتمال وجود دارد که این باغ بهشتی همچنان در جایی دور و ناشناخته بر روی زمین وجود داشته باشد از این‌رو بعضی از انسان‌ها مانند قبیله‌های سرخ‌پوست گوارانی (Guarani) در برزیل به سفرهای اکتشافی پرداخته و بیش از چهار قرن در جستجوی سرزمینی خالی از شهر اما پر از نعمت و آرامش بوده‌اند و معتقدند که این مکان واقعاً در این جهان وجود دارد (صابری و همکاران، ۴۰۲، ص ۱۵۱). این گونه جستجوها می‌تواند بیانگر آرزوی عمیق انسان‌ها برای بازگشت به وضعیت ایده‌ال اولیه باشد.



نمودار ۱۳: مقایسه سبکونیت‌گاه آدم و حوا در قرآن و نمادهای آیینی و بین‌الادیانی.

نتیجه‌گیری:

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که واژه‌های «جنت» و «جنات» در مصادیق مختلفی در قرآن به کار رفته‌اند که هر یک دارای مؤلفه‌های معنایی مرتبط با خود بوده و با بسیاری از نمادهای آیینی - فرهنگی نیز مشترک هستند. این مفاهیم عبارتند از:

- بهشت موعود: از مؤلفه‌های معنایی مهم در این دسته می‌توان به ارض موعود و جایگاه نیکوکاران و سعادت‌مندان، ویژگی‌های مکانی (مانند داشتن زمین، باغ، چشمه، نهر)، وعده الهی بودن، قدسیت، در آسمان بودن، قرب الهی، پاداش عمل، نعمت‌های مادی و معنوی، فراوانی، حیات و بقاء، جاودانگی اشاره کرد.
- بهشت برزخی: این مکان به عنوان فضایی میان دنیا و آخرت مطرح است و نمایانگر آموزش و بهره‌مندی از لذات بهشتی به عنوان یکی از ابزارهای اکرام است.
- سکونتگاه آدم و حوا: از مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی مشترک این گروه از آیات ارتباط با عالم بالا، آسایش و راحتی، خوردنیهای فراوان، زوجیت، دست درازی به درخت ممنوعه، وسوسه، هبوط و جدا شدن از وحدت به تکرار است.

آنچه که موجب تمایز بین مفهوم «جنت» در سکونت‌گاه آدم و حوا با بهشت موعود می‌گردد جایگاه ویژه‌ایست که در بافت کلام قرآن برای هر یک از مفاهیم بیان شده است. در بسیاری از آیات، بهشت موعود به عنوان پاداش ابدی برای گروهی مانند مومنان، نیکوکاران و متقین توصیف شده که در آن بهشت داخل می‌شوند و فرشتگان نیز با سلام و تحیت از آنان استقبال می‌نمایند و سخن از زیباییها، روزیهای بی پایان و ابدیت است. در حالیکه در آیات مربوط به ماجرای آدم و حوا مسئله وسوسه شیطان، عدم جاودانگی و خروج او از مکانی که در آن رنج و سختی نداشته سخن به میان آمده است، همچنان که در آیات مرتبط با جنت دنیوی اقوامی مانند عاد، ثمود و فرعونیان

که سرکشی نمودند سخن از ترک کردن و اخراج آنان از باغاتی است که در آن غرق در راحتی و لذت بودند. علاوه بر این نیز اشتراکات زیاد میان نمادهای فرهنگی و بین‌الادیانی با قرآن حکایت از تفاوت معنای بهشت گم‌شده در داستان ابتدای آفرینش با بهشت موعود دارد.

منابع:

قرآن کریم

کتاب مقدس

۱. ابن فارس، ابوالحسین احمد(بی‌تا)، **معجم مقایس اللغة**، قم: مکتب التبلیغ الاسلامی التابع للحوزه العلمیة.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی‌تا). **لسان العرب**. بیروت: دارالفکر.
۳. ابوحاتم رازی، احمد ابن حمدان(۱۹۵۸-۱۹۵۷م). **کتاب الزینه فی الکلمات الاسلامیه العربیه**. قاهره: حسین بن فیض الله همدانی.
۴. بشارتی، زهرا(۱۴۰۳). **نمادشناسی واژه «طیر» در قرآن کریم با تکیه بر رویکرد «ژان شوالیه» و «جی. سی کوپر»**. دو فصلنامه اسلام شناسی و قرآن پژوهی در جهان معاصر. ۳(۱). ۲۸-۱. DOI: 10.22034/iscw.2024.2032301.1067
۵. جفری، آرتور(۱۳۷۲). **واژه های دخیل در قرآن مجید**. تهران: توس.
۶. دادخواه، سحر؛ خوش‌فر، محسن(۱۳۹۹). **ماهیت و مکان جنت آدم در تفاسیر فریقین**. نشریه علمی مطالعات تفسیری. ۱۱(۴۳). ۷-۳۴. DOI: 20.1001.1.22287256.1399.11.43.4.2
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۳۷۴). **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن**. تهران: مرتضوی. «In Arabic»
۸. رشید رضا، محمد (۱۹۹۰م). **تفسیر القرآن الحکیم** (تفسیر المنار). بیروت: دار المعرفة.
۹. ساسانی، فرهاد؛ آزادی، پرویز(۱۳۹۱). **تحلیل مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم با بهره‌گیری از شیوه همنشینی و جانشینی**. *جستارهای زبانی*. ۳ (۱)، ۶۷-۸۴.
۱۰. شوالیه، ژان(۱۹۹۰م). **فرهنگ نمادها**. ترجمه سودابه فضالی(۱۳۸۲). تهران: جیحون.

۱۱. صابری ورزنه، حسین؛ رجبی، محمدرضا؛ منتظری، محمدحسین؛ منتظری، سید سعید رضا (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی تصویر پردازی‌ها از بهشت به مثابه باغ و مرغزار در ادیان. نشریه الهیات تطبیقی. ۱۴ (۳۰): ۱۴۷-۱۶۲. DOI: 10.22108/coth.2024.140293.1870
۱۲. صفوی، کورش (۱۳۸۶). آشنایی با معنی شناسی. بی‌جا: پژواک کیهان.
۱۳. طارمی راد، حسن (۱۳۸۶). جنت (در قرآن و تفسیر)، در: دانشنامه جهان اسلام. ۱۱ (۹-۳).
۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. «In Arabic»
۱۵. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: نهضة مصر. چاپ: ۱.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ: ۱.
۱۷. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام. چاپ: ۲.
۱۸. عباسی صدر، علیرضا؛ میر سپاه، اکبر؛ رضایان، علی؛ منطقی، محسن (۱۴۰۱). جایگاه نماد از منظرآموزه‌های اسلامی. معرفت فرهنگی اجتماعی. (۱). ۹۵-۱۱۶.
۱۹. عرب، منصوره؛ کزازی، میرجلال الدین (۱۳۹۶). نمادشناسی پای برهنه در فرهنگ و ادب فارسی (از آغاز تا دوره مشروطه). فرهنگ و ادبیات عامه. ۵ (۱۸). ۱۳۴-۲۵۲.
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا)، کتاب العین، بیروت: انتشارات موسسه الاعلمی.
۲۱. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک. چاپ: ۱.
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. چاپ ۱۱:
۲۳. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت. ج ۲.
۲۴. قُرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن. تهران: ناصر خسرو. چاپ: ۱.
۲۵. کوپر، جی سی (۱۹۸۷م). فرهنگ نمادهای آیینی. ترجمه رقیه. بهزادی (۱۳۹۲). تهران: نشر علمی.

۲۶. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۷). فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۷. مردانه، فریده (۱۴۰۴). ارزیابی رابطه نعمت با ولایت از طریق تحلیل نمادهای قرآنی مستخرج از مصادیق نعمت در سوره مائده. پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیة. چاپ: ۱۰.
۲۹. نجفیان، آرزو (۱۳۸۶). جنت (واژگان)، در: دانشنامه جهان اسلام. (۱۱). ۱-۳.
۳۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۹۶۴م). انسان و سمبل‌هایش. ترجمه محمود سلطانیه (۱۳۵۲). تهران: امیر کبیر.
31. Besharati, Z. Fakhari, A. (2023). **A Comparative Study of the Literal and Symbolic Meaning of the Numbers in Qur'anic Verses about Creation.** Journal of Interdisciplinary Qur'anic Studies. 2(1). 167-192. DOI: 10.37264/jiqs. v2i1june2023.9
32. Costaz, Louis (2002). **Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary.** Beirut Dar El-Machreq
33. Gelb, I.J. (1957). **Glossary of Old Akkadian Chicago.** University of Chicago.
34. Gesenius, William (1939). **A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament.** ed. F.A. Brown, Oxford.
35. Leslau, Wolf (1991). **Comparative Dictionary of Geez.** Otto Harrassowitz & Wiesbaden.
36. Zammit, Martin R. (2002). **A Comparative Lexical Study of Quranic Vocabulary.** Koln.

Resources:

The Holy Qur'an.

The Bible

1. Ibn Faris, A.A. (n.d.). **Mu'jam Maqayyis al-Lughah**. Qom: Islamic Propagation School affiliated with the Al-Huzah Al-Ilmiyah
2. Ibn Manzūr, M. ibn M.(n.d.). **Lisān al-'Arab**. Beirut: Dar al-Fikr.
3. Abu Hatam Razi, A. ibn H. (1957-1958). **Al-Zīnah fī Al-Kalimāt Al-Islāmiyyah Al-'Arabiyyah**. Cairo: Hussein ibn Fezeallah Hamadani.
4. Besharti, Z. (1403). **The Symbolism of the term "Tayr" in the Qur'an: Based on the Approaches of "Jean Chevalier" and "J. C. Cooper"**. *Islamic Studies and Quranic Studies in the Contemporary World*. 3(1). 1-28. DOI: 10.22034/iscw.2024.2032301.1067.
5. Jeffrey, A. (1372). **Words involved in the Holy Qur'an**. Tehran: Toos.
6. Dadkhah, S; Khoshfar, M. (1399). **The nature and location of Adam's Paradise in the interpretations of the Fariqins**. *Scientific Journal of Interpretive Studies*. 11(43). 7-34.
7. Raghīb Isfahani, H. ibn M. (1374). **Translation and research of the vocabulary of the Qur'an with linguistic and literary commentary**. Tehran: Mortazavi.
8. Rashid Reza, M. (1990). **Tafsīr al-Qur'ān al-Ḥakīm (Tafsīr al-Manār)**. Beirut: Dar al-Marafā.
9. Sasani, F., Azadi, P. (1391). **An analysis of the semantic components of truth in the Holy Qur'an using the methods of juxtaposition and substitution**. *Linguistic Studies*, 3(1), 67-84.
10. Chevalier, J. (1990). **Dictionnaire des symboles: mythes, rêves, coutumes, gestes, figures, couleurs, nombres**. S. Fazaeli, Trans. (1382). Tehran: Jihon.

11. Saberi Varzaneh, H; Rajabi, M.R; Montazeri, M.H; Montazeri, S. S. R. (1402). **A comparative study of depictions of heaven as a garden and meadow in religions**. Journal of Comparative Theology. 14(30).147-162. DOI: 10.22108/coth.2024.140293.1870
12. Safavi, K. (1386). **Introduction to Semantics**. Pejvak keyhan
13. Taremi Rad, H. (1386). **Paradise (in the Qur'an and interpretation)**. In: Encyclopedia of the Islamic World. (11). 3-9.
14. Tabatabai, M. H. (1374). **Tafsīr al-Mīzān**. Qom: Office of Islamic Publications.
15. Tantawi, M.S. (1997). **Al-Tafsīr al-Wāsiṭ lil-Qur'ān al-Karīm**. Cairo: Nesat Misr.
16. Tousi, M. ibn H. (n.d.). **Al-Tabyān fī Tafsīr al-Qur'ān**. Beirut: Dar ehya al-Trath al-Arabi.
17. Tayyib, A. H. (1378). **Atyab al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān**. Tehran: Islam.
18. Abbasi Sadr, A., Mir Sepah, A., Rezaiyan, A., & Manteqi, M. (1401). **The place of symbolism from the perspective of Islamic teachings**. Cultural and Social Knowledge, (1), 95-116.
19. Arab, M., Kazazi, M. J. D. (1396). **Symbolism of Barefoot in Persian Culture and Literature (From the Beginning to the Constitutional Era)**. Folklore and Literature, 5(18), 134-252.
20. Farahidi, K. ibn A. (n.d.). **Kitāb al-'ayn**. Beirut: Al-Alamy Institute.
21. Fazlullah, M. H. (1419AH). **Tafsīr min Waḥy al-Qur'ān**. Beirut: Dar al-Malak.
22. Qaraati, M. (1383). **Tafsīr Nūr**. Tehran: Cultural Center for Qur'anic Lessons.
23. Qurashi Banabi, A. A. (1375). **Tafsīr Aḥsan al-Ḥadīth**. Tehran: Bonyad Ba' that.
24. Qurtubi, M. ibn A. (1364). **Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'ān**. Tehran: Nasir Khosrow.

25. Cooper, J. C. (1987). **An Illustrated Encyclopaedia of Traditional Symbols**. R. Behzadi, Trans (1392). Tehran: Scientific Publishing.
26. Mashkur, Mohammad Javad. (1357). **A Comparative Dictionary of Arabic with Sāmi and Iranian Languages**. Tehran: Iranian Cultural Foundation Press.
27. Mardaneh, Farideh. (1404). **Evaluating the Relationship between Blessing (Ni'mah) and Wilāyah through the Analysis of Qur'anic Symbols extracted from the examples of Blessing in Sūrat al-Mā'idah**. Interdisciplinary Qur'anic Studies Research Institute, Shahid Beheshti University.
28. Makarem Shirazi, N. (1371). **Tafsīr Nemooneh**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
29. Najafian, A. (1386). **Jannat (Vocabulary), in: Encyclopedia of the Islamic World**. (11). 1-3.
30. Jung, C. G. (1964). **Man and His Symbols**. M. Soltani, Trans. (1352). Tehran: Amir Kabir.
31. Besharati, Z. Fakhari, A. (2023). **A Comparative Study of the Literal and Symbolic Meaning of the Numbers in Qur'anic Verses about Creation**. Journal of Interdisciplinary Qur'anic Studies. 2(1). 167-192. DOI: 10.37264/jiqs.v2i1june2023.9
32. Costaz, Louis (2002). **Dictionarie Syriaque-Francais/Syriac-English Dictionary**. Beirut Dar El-Machreq.
33. Gelb, I.J. (1957). **Glossary of Old Akkadian** Chicago. University of Chicago.
34. Gesenius, William (1939). **A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament**. ed. F.A. Brown, Oxford.
35. Leslau, Wolf (1991). **Comparative Dictionary of Geez**. Otto Harrassowitz & Wiesbaden.
36. Zammit, Martin R. (2002). **A Comparative Lexical Study of Quranic Vocabulary**. Koln.